

وقت جنگ، دوتارت را کوک کن!



(زمان)

یوسف قوجق

ویراست جدید

مقدمه

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، روسیه حس کرد که وی مایل است به کمک دول اروپای غربی و عثمانی، عهدنامه ترکمانچای (که در سال ۱۸۲۸ میلادی، مطابق ۱۲۰۷ هجری شمسی به تصویب رسیده بود) را لغو کند. به همین خاطر نسبت به تحکیم مواضع نیروهای نظامی خویش در قفقاز کوشید. بعد از شکست محمدامین خان (خان محلی خوارزم) از سپاه ایران و متلاشی شدن سپاه خوارزم، راه دست اندازی به مرزهای شمال شرقی ایران برای دولت روسیه کاملاً باز شد و موانع برطرف گردید. روسیه ابتدا به عنوان تجارت و اعزام مهاجر و رفت و آمد عادی، عده‌ای از قوای قزاق را به حوالی «خیوه» فرستاد. و چون دربار ایران را سرگرم جنگ با انگلستان دید، موقع را مغتنم شمرد و رسماً از سال ۱۸۴۸ میلادی (۱۲۲۷ شمسی) تصرف سرزمین‌های شمال شرقی ایران را آغاز و تا سال ۱۸۶۳ میلادی (۱۲۴۲ شمسی) به تدریج اطراف آرال، سمرقند و تاشکند را تصرف کرد.^۱

۱. شمیم، علی اصغر، (۱۳۸۷). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، انتشارات زریاب، چاپ چهارم، ص ۲۵۴.

دست‌اندازی روسیه تزاری به مرزهای شمال شرقی ایران پس از شکست نیروی ایران در جنگ مرو، از سال ۱۸۷۳ میلادی به بهانه سرکوب ترکمن‌ها و تأمین ارتباط تجاری آغاز گردید. در این سال نیروی تحت فرمان «کاوفمان» به مسکن ترکمنان «یموت» در شمال رود اترک هجوم بردند که ترکمن‌ها در مقابل این حمله، سرسختانه مقاومت کردند و لشکر تزار روسیه در طول توسعه‌طلبی‌های خود، نخستین بار، طعم شکست را از جانب ترکمن‌ها چشید.

پنج سال بعد، یعنی در سال ۱۸۷۸ میلادی دولت روسیه برای تلافی شکست، سرتیپ «لازاراف» سردار ارمنی تابع روسیه را مأمور سرکوب ترکمنان نمود؛ اما وی در آستانه لشکرکشی درگذشت و فرماندهی قشون تزار به دست «لوماکین» افتاد که به اقدام جدیدی دست زد، اما او نیز برای بار دوم با دادن تلفات سنگینی عقب‌نشینی نمود.

مقامات روسی برای جبران شکست لوماکین (در سال ۱۸۸۰ میلادی) و گسترش بازتاب منفی آن، برنامه تصرف «آخال» را سرعت بخشیدند. بالاخره ژنرال «اسکوبلف» مأمور شد، کار اشغال نظامی نواحی مورد نظر دربار روسیه را تکمیل کند.^۱ به این ترتیب، در مارس ۱۸۸۰ میلادی دولت روسیه با تصویب بودجه‌ای معادل ده میلیون روبل برای این منظور، اسکوبلف را مأمور سرکوب ترکمن‌ها کرد. «اسکوبلف» به علت شرکت در عملیات وحشیانه تصرف خیوه و خوقند در سال‌های پیش، افسر کارآزموده‌ای به شمار می‌رفت.^۲

ژنرال اسکوبلف در نوامبر ۱۸۸۰ میلادی با قوایی معادل یازده هزار نفر و به قصد نابودی تام و تمام ترکمن‌ها، از «قزل سو» راهی «آخال» شد. از آنجا که خط‌آهن هنوز تکمیل نشده بود، حدود بیست هزار شتر

۱. همان، ص ۲۵۵.

۲. کاظم زاده، فیروز، (۱۳۵۴)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، جیبی، ص ۱۴۹.

نیز برای حمل و نقل تدارکات ستون به کار گرفت. بالاخره در اوایل ژانویه ۱۸۸۱ میلادی پس از استقرار واحدهای نظامی لازم در امتداد خطوط مراسلاتیش، با نیرویی معادل ۶۵۰۰ سرباز و ۶۰ عراده توپ به «گوگ تپه» رسید. دژ «گوگ تپه» با حصاری به طول چند کیلومتر، حدود چهل هزار ترکمن را در دل خود جای داده بود. از این میان فقط حدود ده هزار نفر را جنگاوران ترکمن تشکیل می دادند و مابقی، زن و کودک و از کارافتاده بودند. ترکمن ها امیدوار بودند که استحکامات گوگ تپه با دیوارهایی به ارتفاع ۶ متر و ضخامتی بین ۶۰ تا ۹۰ سانتیمتر، بتواند همانند سال گذشته در برابر تهاجم روس ها تاب آورد و این تلاش آن ها را نیز ناکام سازد. در این مدت نیز یکی از ترکمن هایی که به شیوه سنگرسازی روس ها در منطقه آشنایی داشت، اصلاحاتی در مواضع گوگ تپه ایجاد کرده بود. ترکمن ها مصمم شده بودند، که آخرین ایستادگی خود را در این ناحیه به خرج دهند.^۱

ترکمن های «گوگ تپه» به رهبری «تیکمه سردار» در برابر قوای روسیه صف آراستند. دسته های نظامی ترکمن در داخل قلعه و در برج و بارو و دروازه قلعه به حال آماده باش درآمدند. توپخانه روس ها استحکامات گوگ تپه را زیر آتش مداوم خود گرفتند. اما ترکمن ها با ترتیب دادن حملات پراکنده و شبیخون های غافلگیرانه، آرایش نظامی روس ها را به هم می زدند. پس از چندی آشکار شد، که این آتشبار تأثیر چندانی بر دیوارهای ضخیم گوگ تپه ندارد و مقاومت ترکمن ها کماکان بدون وقفه ادامه دارد. ژنرال «اسکوبلف» از آن بیم داشت که در صورت طولانی تر شدن عملیات، واحدهای کمکی ترکمن فرا رسند و او در محاصره قرار گیرد. لذا دستور داد که نقبی به زیر بخش جنوبی استحکامات گوگ تپه حفر شود، تا آن را منفجر کنند. در حالی که آتش توپخانه و تلاش

۱. سایکس. مرپرسی، (۱۳۲۳)، تاریخ ایران (دو جلد)، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی تهران، رنگین، ص ۵۶۰.

گروه‌های حمله برای دستیابی به قلعه ادامه داشت، خود او عملیات حفر نقب را تحت سرپرستی گرفت. بالاخره در ۱۲ ژانویه ۱۸۸۱ میلادی، حوالی ظهر در حالی که گروه‌های حمله آماده می‌شدند، حدود ۲ تن یا ۷۰ پوت، مواد منفجره زیر دیوار کار گذاشته شد و در حالی که آتش بسیاری از توپ‌های اردو بر آن بخش از دیوار متمرکز بود، منفجر گردید. روس‌ها از چهار طرف به سمت قلعه هجوم آوردند. با فروکش کردن گرد و غبار حاصل از انفجار، ملاحظه شد که شکافی به عرض ۶۰ متر در دیوار ایجاد شده است. ترکمن‌ها که چند بار علی‌رغم این اقدام غیرمنتظره به صفوف دشمن زدند، ناامیدانه تا آخرین نفس ایستادگی کردند.^۱

بدین ترتیب مقاومت ترکمن‌ها درهم شکست. بسیاری از آن‌ها سعی کردند از شکافی که در بخش شمال شرقی دیوار نیمه‌تمام قلعه ایجاد شده بود، فرار کنند که ناگهان قتل‌عام آغاز شد. سربازان روس، به هیچ کس رحم نکردند. در خود قلعه حدود ۶۵۰۰ جسد شماره شد. حدود ۸۰۰۰ نفر از زنان و کودکانی نیز که راه فرار در پیش گرفته بودند، به دست واحدهای سواره نظام روس کشته شدند. رقم رسمی تلفات روس‌ها ۲۲۸ کشته و ۶۶۹ مجروح اعلام شده، که قطعاً کمتر از میزان واقعی بود. یک ژنرال، دو سرهنگ و حدود چهل صاحب منصب دیگر جزء کشته‌شدگان بودند.^۲

این پیروزی برای امپراتوری روس، مهم و کارساز گردید. در پی سقوط «گوگ تپه» حاکمیت نهایی آن‌ها بر ترکمنستان مسجل شد و بدین ترتیب آخرین موضع مستحکم آسیای مرکزی سقوط کرد. در نتیجه ناصرالدین‌شاه قاجار مجبور شد با عقد قرارداد «آخال»، تسلط روسیه

۱. سارلی، اراز محمد، (۱۳۷۳)، تاریخ ترکمنستان (دو جلد)، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، جلد اول، ص ۳۰۸.

۲. کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۴۹)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، جلد دوم، ص ۷۰۳.

را بر سراسر مرزهای از دست رفته شمال شرقی خراسان به رسمیت بشناسد.^۱

روسیه با سقوط گوگ تپه و عملی ساختن انتقام نهایی از ترکمن ها، به تحدید مرزهای تازه تسخیر شده پرداخت. در روز ۲۵ مه ۱۸۸۱ میلادی، امپراتور روسیه طی فرمانی، الحاق ناحیه ترکمن ها را با نام جدید «سرزمین ماورای خزر»، به روسیه اعلام داشت. انگلستان طبق معمول به روس ها اعتراض کرده، نگرانی خود را درباره موقعیت «مرو» ابراز داشت. و در این باره تضمین هایی از روسیه گرفت. ایران که ناظر جدا شدن سرزمینی بود که آن را جزیی از خاک خود می دانست، فقط توانست درباره تعیین موقعیت مرزها اقدام به گفت و گو و مذاکره کند. «زینوویف» وزیر مختار روسیه در ایران، تمامی سعی خود را به کار برد تا ناصرالدین شاه را وادار به امضای قراردادی بنماید که مواضع تسخیر شده آنان را تأیید کند. اینک دولت بی کفایت قاجار زیر بار قراردادی می رفت، که عملاً منجر به الحاق بخش هایی از خاک ایران به روسیه می شد.^۲

قرارداد مرزی «آخال» در ۱۲ دسامبر ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۶۰ هجری شمسی و ۱۲۹۹ هجری قمری)، در دوره ناصرالدین شاه قاجار به وسیله «میرزا سعیدخان مؤتمن الملک» وزیر امور خارجه ایران و «ایوان زینوویف» نماینده مختار روسیه به امضا رسید، که شامل نه فصل بود.

بعد از قرارداد ترکمانچای، قرارداد «آخال» ضربه مهلک دیگری به تمامیت ارضی ایران به شمار می رفت. زیرا به موجب آن، خانات ترکستان و ماوراءالنهر که از زمان صفویه کم و بیش تابع پادشاهان ایران بودند، برای همیشه از قلمرو ملی میهن ما منتزع گردید و سرحدات شمالی ایران به حدود فعلی محدود شد.

۱. سارلی، اراز محمد، (۱۳۶۴)، ترکستان در تاریخ، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ص ۲۶.

۲. ترنزیو، پیوکارنو، (۱۳۶۳)، وقایع های روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ص ۱۰۰.

به این ترتیب، دولت روسیه که از اواخر قرن هجدهم میلادی شروع به اجرای وصیت‌نامه پطر کبیر در مورد دست یافتن به آب‌های گرم خلیج فارس کرده بود، پس از آنکه در نتیجه دو دوره جنگ با ایران، سراسر قفقاز را تصرف کرد، با انعقاد پیمان «آخال» توانست دومین مرحله از برنامه توسعه ارضی خود را بدون اشکال زیاد عملی سازد. سومین مرحله این سیاست توسعه طلبانه، بیست‌وشش سال بعد از این تاریخ در ۱۹۰۷ میلادی (۱۲۸۶ شمسی) با امضای قرارداد تقسیم ایران به مناطق نفوذ، تأمین گردید.^۱

تأثیر فاجعه جنگ «گوگ تپه» بر مردم ترکمن به حدی بزرگ بوده که حتی در هنر موسیقی آن‌ها نیز منعکس شده است، به طوری که مقامی از موسیقی ترکمن به همین نام است.

این رمان، روایتی از ایستادگی و مقاومت مردم ترکمن در مقابل این توسعه طلبی‌ها در قلعه «گوگ تپه» است.

۱. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۸۸)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ص ۲۸۷.